

بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه‌های کلارک و شهریاری از اشعار عرفانی حافظ^۱

زهرا محمودآبادی^۲، محمود واعظ معروفی^۳ و فاطمه تکلو^۴

چکیده

اشعار عرفانی حافظ از دشوارترین‌ها برای ترجمه به حساب می‌آیند، زیرا برای درک کامل آن‌ها باید فارسی‌زبان باشید. مقاله حاضر به روش توصیفی-تطبیقی و با هدف شناسایی گرایش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی و میزان دیده‌شدن نویسنده متن مبدأ در متن مقصد، به بررسی برخی از اشعار عرفانی حافظ که توسط کلارک و شهریاری به انگلیسی ترجمه شده‌اند، می‌پردازد. در این تحقیق ۱۴ مورد از غزلیات عرفانی حافظ به صورت تصادفی انتخاب شد و از نظر روش بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در هر دو ترجمه مورد بررسی قرار گرفت که از این موارد ۵ غزل در این مقاله مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو مترجم از این دو راهبرد، به میزان متفاوت، در ترجمه‌های خود استفاده کرده‌اند. بر اساس نظریه ناید، ترجمه شهریاری که از روش بومی‌سازی به میزان بیشتری استفاده کرده است برای مخاطب زبان مقصد طبیعی‌تر و قابل‌فهم‌تر می‌باشد، اما تا آنجا که به مسئله وفاداری به متن مبدأ مربوط می‌شود، بیگانه‌سازی مناسب‌تر از بومی‌سازی است. به‌طور کلی، در ادبیات مورد بررسی، هیچ‌کدام از روش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی نتوانستند مفهوم اصلی ابیات را به‌طور کامل به متن مقصد منتقل کنند. بنابراین، استفاده از پاورقی در ترجمه برای انتقال کمال معنا و ذوق زیبایی‌شناسی در اشعار حافظ توصیه می‌شود.

واژه‌های راهنما: اشعار عرفانی حافظ، بومی‌سازی، بیگانه‌سازی، پاورقی، ترجمه ادبی

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۲ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ به تصویب رسید.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: mahmoudabadizahra@pnu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، دبیر زبان انگلیسی، اصفهان، ایران؛ پست الکترونیک: uit.proff@gmail.com

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: f_takallou@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، معروف به حافظ (۷۲۷-۷۹۲)، حدود ۶۵۵ سال پیش، شاعر غزل‌سرای پارسی است که آثارش توسط بسیاری از ایرانیان به‌عنوان والاترین اشعار ادبیات فارسی مورد توجه قرار گرفته‌است. دیوان او اغلب در خانه‌های مردم فارسی‌زبان یافت می‌شود که اشعار او را یاد می‌گیرند، حفظ می‌کنند، و به‌عنوان ضرب‌المثل به کار می‌برند. به نظر می‌رسد اشعار عرفانی حافظ در شش‌صد سال اخیر که نیمی از تاریخ شعر و ادب فارسی را از نظر مبانی تشکیل می‌دهد، در خاور دور و نزدیک، در شبه‌قاره هند و در آسیای مرکزی بیش از همه اشعار دیگر خوانده شده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی غزلیات عرفانی حافظ که توسط کلارک و شهریاری به انگلیسی ترجمه شده است، باهدف شناسایی گرایش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی انجام شده است. به این منظور، تعدادی نمونه ترجمه‌شده به انگلیسی استخراج شده و با متن اصلی مقایسه می‌شود تا رویکرد مترجمان هم نسبت به متن اصلی و هم نسبت به خوانندگان ترجمه استخراج شود. این ترجمه در صدد آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که کلارک و شهریاری کدام‌یک از راهبردهای بیگانه‌سازی یا بومی‌سازی را در ترجمه‌های خود از اشعار عرفانی حافظ به کار برده‌اند؟ و آیا این دو مترجم با به‌کارگیری این دو راهبرد در انتقال معنا و فرم موفق بوده‌اند؟

بیان مسئله

راهبردهای بومی‌سازی و بیگانه‌سازی چندین سال است که مورد بحث قرار گرفته‌اند، اما اولین کسی که آنها را به معنای امروزی آنها تدوین کرد، لارنس ونوتی بود. او در سال ۱۹۹۵ با کتاب «نابیدایی مترجم» این دو مفهوم را وارد عرصه مطالعات ترجمه کرد. نوآوری ونوتی در این زمینه، دیدگاه او بود که بومی‌سازی و بیگانه‌سازی از نظر ایدئولوژیک متفاوت بودند. او بیگانه‌سازی را انتخابی اخلاقی برای مترجمان می‌دانست. (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۲۴)

ونوتی^۵ (۱۹۹۵) از بومی‌سازی به‌عنوان «روان و سیال» و از بیگانه‌سازی به‌عنوان «سرسخت» یاد می‌کند و آنها را با اشاره به شکل‌گیری گفتمان‌های فرهنگی که در ترجمه تولید می‌شود، تعریف می‌کند (ص. ۳۸). او این سخنان اشلایرماخر را به ترتیب به «بیگانه‌سازی» و «بومی‌سازی» تفسیر می‌کند: «فقط دو (راه) وجود دارد. یا مترجم تا حد امکان نویسنده را در آرامش رها می‌کند و خواننده را به سمت او سوق می‌دهد. یا حتی‌الامکان خواننده را در آرامش رها می‌کند و نویسنده را به سمت خود حرکت می‌دهد»^۶. (لغوره، ۱۹۷۷)

ونوتی همچنین، عبارت «روان و سیال» نایدا را به‌عنوان «بومی‌سازی» تفسیر کرده است. (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۲۰) همچنین او نتیجه می‌گیرد که به‌دلیل ارزش‌های اقتصادی، بومی‌سازی روان و بدون تکلف مورد حمایت قرار گرفته است. (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۱۶)

برخی از نظریه‌پردازان موافق بومی‌سازی در ترجمه هستند؛ درحالی‌که برخی دیگر موافق بیگانه‌سازی هستند. «اشلایرماخر معتقد است که ترجمه باید ویژگی‌های خارجی داشته باشد و این نوع ترجمه بهتر از ترجمه طبیعی یک متن است» (ونوتی، ۱۹۹۱). براین‌اساس، ونوتی نیز معتقد به بیگانه‌سازی متن است «تا در مقابل سنت دیرینه بومی‌سازی ترجمه که بر فرهنگ انگلیسی-آمریکایی و فرانسوی حاکم بوده است، بایستد» (ونوتی، ۱۹۹۱، ص. ۱۵۰). او در حمایت از این روش بیشتر پیش می‌رود و می‌گوید: «ترجمه به زبان انگلیسی با شیوه بیگانه‌سازی می‌تواند نوعی مقاومت در برابر قوم‌گرایی و نژادپرستی، خودشیفتگی فرهنگی و امپریالیسم، به نفع روابط دموکراتیک ژئوپلیتیکی باشد» (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۲۰)

ونوتی به همراه اشلایرماخر معتقدند که به‌کارگیری این دو روش بر حسب موضوع متن

۵. Venuti

۶. Lefevere

بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه‌های کلارک و شهریاری از اشعار عرفانی حافظ ۶۱

متفاوت است و آنها صرفاً به ترجمه متون ادبی اختصاص دارند و نه به ترجمه موضوعات فنی که در آنها بومی‌سازی قابل‌استفاده است و ترجمه روان و قابل‌فهم را ایجاد می‌کند. (ونوتی، ۱۹۹۵)

در نهایت، ونوتی بحث می‌کند که در فرایند ترجمه، بومی‌سازی تا حدودی اتفاق می‌افتد. «ناهنجاری قوم‌گرایانه ترجمه اجتناب‌ناپذیر است: در فرایند ترجمه، زبان‌ها، متون و فرهنگ‌های خارجی همیشه درجاتی از کاهش، حذف، و ثبت را تجربه می‌کنند. با این حال، کار داخلی روی فرهنگ‌های خارجی می‌تواند مداخله‌ای بیگانه‌کننده باشد که برای زیرسؤال بردن قوانین موجود در داخل کشور انجام می‌شود.» (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۳۱۰)

از سوی دیگر، افرادی هستند که موافق بومی‌سازی ترجمه می‌باشند. در حوزه ترجمه بین‌المللی معاصر، یوجین نایدا نماینده کسانی است که طرفدار بومی‌سازی ترجمه هستند^۷ (ونفن، ۲۰۱۰). استنباط نایدا از ترجمه چنین است: «مترجم باید فردی باشد که بتواند تفاوت‌های زبانی و فرهنگی را کنار بگذارد تا مخاطبان به وضوح ارتباط پیام اصلی را ببینند» (نایدا و دووارد ۱۹۸۶: ۱۴؛ به نقل از (ونوتی، ۱۹۹۵، ص. ۲۱)). از نظر نایدا، دقت در ترجمه وابسته به ایجاد اثری یکسان در فرهنگ زبان مقصد است: «دریافت‌کنندگان ترجمه باید متن ترجمه شده را همان‌گونه درک کنند که خوانندگان متن اصلی آن را درک کرده‌اند.» (همان: ۳۶).

همان‌طور که می‌دانید «حضور جاودانه حافظ نه تنها در تاریخ و تاریخ ادبیات ایران بلکه در ذهن و ضمیر فارسی‌زبانان جهان او را به یک خاطره ازل‌ی تبدیل کرده و به همین دلیل درباره او و شعرش از جهات مختلف و به فراوانی سخن گفته شده است» (پوری‌اورچوبر، ۱۴۰۲) بر همین اساس در این پژوهش، ترجمه‌های پنج بیت از غزلیات عرفانی حافظ، انتخاب شده است که در آنها شیوه‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی نمایان است. برای انجام این تحقیق، کل دیوان حافظ به‌طور اجمالی

مرور شد و ترجمه ابیاتی که توسط کلارک و شهریاری انجام شده بود مورد بررسی قرار گرفت تا موارد بومی‌سازی و بیگانه‌سازی مشخص شود.

پیشینه پژوهش

اساساً نمی‌توان بدون درک صحیح از دو واژه ترجمه و مترجم، در مورد مسائل ترجمه، بحث کرد. تاکنون تعاریف زیادی برای ترجمه ارائه شده است. به زبان ساده می‌توان گفت که ترجمه، ارائه دقیق و مطمئن پیام از زبانی به زبان دیگر است. همچنین تحقق این امر مستلزم شناخت نسبتاً کامل هر دو زبان و تمامی جنبه‌های آنها یعنی زبانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است.

دشواری‌ها در ترجمه شعر عرفانی حافظ

ترجمه اشعار عرفانی حافظ، به دلایل متعددی، دشواری مخصوص به خود را دارا می‌باشد. اسلامی ندوشن (۱۳۸۲) دلایلی را بیان می‌کند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. اشعار حافظ پر از کنایه است و برخی کلمات به کار گرفته شده در این اشعار، آهنگی دارند که انگار فقط برای همان موضوعاتی که حافظ به کار می‌برد ساخته شده است. از سوی دیگر، در غزل‌های عرفانی حافظ از اصطلاحات عرفانی و اساطیری مختلفی استفاده شده است که برای غیر ایرانیان ناآشنا است و در میان این مضامین فراوان، پیوندی پنهان وجود دارد. مورد دیگری که حائز اهمیت می‌باشد این است که ژرفای تاریخ ایران در شعر حافظ حضور دارد و جهان بینی تمدن ایرانی با تمدن‌های دیگر متفاوت است، بنابراین تنها کسانی می‌توانند آن را دریافت کنند که این تاریخ را به خوبی لمس کرده باشند. در نتیجه، «مواجهه فرهنگی شرق و غرب به دشواری ترجمه ادبی می‌افزاید. آنچه آرمان شاعرانه را در شعر شرقی تشکیل می‌دهد با همتای غربی آن متفاوت است.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۲، ص. ۴۵)

بومی‌سازی و بیگانه‌سازی

در تعریف بومی‌سازی و بیگانه‌سازی آمده است: «بومی‌سازی و بیگانه‌سازی با این سؤال سروکار دارد که یک ترجمه چقدر یک متن خارجی را به زبان و فرهنگ ترجمه می‌آمیزد و تا چه اندازه نشانگر تفاوت‌های آن متن است». (ونوتی، ۱۹۹۸، ص. ۸۳)

به عقیده لارنس ونوتی، هر مترجمی باید از منشور فرهنگی به فرآیند ترجمه نگاه کند که هنجارهای فرهنگی زبان مبدأ را در هم بشکند و وظیفه مترجم است که آنها را با حفظ معنا و بیگانه بودنشان به متن زبان مقصد منتقل کند. هر مرحله در فرایند ترجمه - از انتخاب متون خارجی گرفته تا اجرای استراتژی‌های ترجمه، تا ویرایش، بررسی و خواندن ترجمه‌ها - با واسطه ارزش‌های فرهنگی متنوعی است که در زبان مقصد در گردش است. همچنین بیان می‌کند که تئوری و عمل ترجمه زبان انگلیسی، تحت سلطه تسلیم و بومی‌سازی قرار داشته است. به گفته ونوتی، راهبرد بومی‌سازی به‌شدت ارزش‌های فرهنگی را پاک می‌کند و در نتیجه متنی را می‌سازد که گویی به زبان مقصد نوشته شده بوده و از هنجارهای فرهنگی خواننده هدف پیروی می‌کند. او قویاً از استراتژی بیگانه‌سازی دفاع می‌کند و آن را «فشار قومیتی بر ارزش‌های [فرهنگی زبان مقصد] برای ثبت تفاوت زبانی و فرهنگی متن خارجی و فرستادن خواننده مقصد به خارج از مرزها» می‌داند؛ بنابراین، ترجمه مناسب ترجمه‌ای است که بیگانه بودن متن مبدأ را برجسته می‌کند و به‌جای اینکه به فرهنگ غالب زبان مقصد اجازه دهد تفاوت‌های فرهنگ مبدأ را جذب کند، بهتر است این تفاوت‌ها را نشان دهد. (ونوتی، ۱۹۹۸)

ترجمه اشعار حافظ در مطالعات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. سلیمانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی ترجمه کلارک از دیوان حافظ از نظر انتقال مفاهیم عرفانی» به این نتیجه رسیده است که در بسیاری موارد، مترجم معادل‌های مناسبی را برای واژه‌های برگزیده انتخاب نکرده است و درواقع تا حد زیادی، مترجم نتوانسته است جنبه‌های عرفانی اشعار حافظ را انتقال دهد و به نوعی از روش بومی‌سازی استفاده کرده است.

حسینی معصوم (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌های نحوی، چالشی در ترجمه ادبی» (مورد پژوهی: ترجمه ضمیر سوم شخص مفرد در غزل‌های حافظ)، به این نکته اشاره کرده است که باتوجه‌به نبود مشخصه جنس در نظام ضمیری زبان فارسی، ترجمه ضمیر «او» که به معشوق حافظ اشاره دارد، در ترجمه انگلیسی امری چالش‌برانگیز شده است، زیرا مترجم مجبور به استفاده از یکی از دو ضمیر مذکر یا مؤنث می‌باشد که این امر تفسیری خاص را برمی‌انگیزد.

بلوری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردی انتقادی به ترجمه انگلیسی هانری کلارک از اشعار حافظ: مورد پژوهی»، به این نتیجه رسیده است که ایدئولوژی‌های متن مبدأ تا حد بسیار زیادی در متن ترجمه شده دست کاری شده‌اند (روش بومی‌سازی) و در نتیجه در ترجمه انگلیسی چهره‌ای مخدوش از حافظ و شعر او ارائه شده است.

در پژوهشی دیگر، سرپرست (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمه شعر عرفانی با رویکرد نظریه لفور (بررسی موردی ترجمه محمد الفراتی از غزلیات حافظ)» نگارش نموده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در متن ترجمه، چرخش، تغییرات و افزایش‌های اجتناب‌ناپذیر در بازتولید مترجم مشاهده می‌شود که نه‌تنها خللی به درون‌مایه کلام شاعر وارد نمی‌کند، بلکه بر زیبایی سخن مترجم می‌افزاید که در واقع تأییدی بر روش بومی‌سازی است.

بشیری (۱۳۹۷) در مقاله «میزان کارآمدی رهیافت‌های لفور در ترجمه شعر بین زبان عربی و فارسی» ضمن معرفی این رهیافت‌ها و اجرای آن بر ترجمه رباعی‌های خیام به فارسی و ترجمه شعر «عن انسان» محمود درویش از عربی به فارسی، میزان کارآمدی آن را در دو زبان عربی و فارسی با هم سنجیده است. رسولی و عباسعلینژاد (۱۳۹۴) در مقاله «تلقی ابراهیم الشواری و محمد الفراتی من الغزل الثامن الحافظ الشیرازی» به مقایسه ترجمه غزل هشتم حافظ که یکی به نثر (شواری) و دیگری به نظم (فراتی) است، پرداخته و ترجمه شواری را به‌دلیل نثر بودن آن، رساتر می‌دانند. بررسی‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی با عنوان

بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه‌های کلارک و شهریار از اشعار عرفانی حافظ انجام نشده است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تطبیقی است و تلاش می‌کند گزارشی تطبیقی و توصیفی از وجود روش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه اشعار عرفانی حافظ ارائه دهد. در این پژوهش، ۱۴ مورد از غزلیات حافظ و ترجمه‌های متناظر آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت که ۵ مورد از آن‌ها در این مقاله شرح داده شده است. بنابراین، در این تحقیق مطالعه موردی شامل: متن مبدأ، مشتمل بر ۵ غزل عرفانی از حافظ و متن مقصد، شامل دو مجموعه ترجمه متفاوت از این پنج غزل که از آثار شهریار، مترجم بومی و کلارک، مترجم غیربومی فارسی استخراج شده است. برای به دست آوردن داده‌های موثق، ابتدا سعی شد با مطالعه تفاسیر (برزگر خالقی، ۱۳۸۲)، در کتاب شاخ نبات حافظ که در آن غزلیات حافظ تفسیر شده است، معنای اشعار عرفانی حافظ درک شود. سپس دو ترجمه کلارک و شهریار به تفصیل مورد مطالعه قرار گرفته و با منبع مقایسه شد تا روش به کار گرفته شده در ترجمه‌ها مشخص شود و میزان بومی و بیگانه بودن ترجمه‌های انگلیسی این نمونه اشعار عرفانی حافظ توسط دو مترجم فوق تعیین شود.

۳. بحث و بررسی

در این مطالعه، ۵ مورد از غزلیات حافظ در دو ترجمه متفاوت از کلارک و شهریار، از نظر به کارگیری روش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش، هر کدام از این ابیات به صورت جداگانه تحلیل شده و برای هر بیت تفسیر فارسی، توضیح انتخاب کلمات و نقد کلی ارائه گردیده است.

۱- بیت اول

Hafez	Clarke	Shahriari
-------	--------	-----------

<p>ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم ز آنچ آستینِ کوتاه و دستِ دراز کرد.</p>	<p>O heart! Come; let us go to the shelter of God, From whatever, the one, short of sleeve, long of hand, made.</p>	<p>Come O heart; let's commend ourselves unto the Lord Keep from rolled up sleeve that outstretched arm belies.</p>
---	---	---

تفسیر فارسی

ای دل بیا از این حقه بازی صوفیان به خداوند پناه ببریم؛ زیرا این قوم با ظاهری فریبنده باطنی ناپاک دارند. لباس‌هایشان نشان از زهد و تقواست اما آنها شیفته ی جاه و مال دنیوی هستند.

آستین کوتاه: خرقة صوفیان ظاهراً دارای آستین کوتاه و گشاد بوده است. دست دراز: کنایه از طمع‌ورزی و تعلق خاطر صوفیان، برخلاف ظاهرشان، به دنیا و جاه و مال است.

انتخاب کلمات

عبارت آستین کوتاه کنایه از صوفی است. «آستین تا زده» (Rolled up sleeve) توسط شهریاری و «آستین کوتاه» (Short of sleeve) توسط کلارک در زبان انگلیسی کنایه‌ای ندارند و بنابراین برای رساندن معنی نیاز به تفسیر دارند.

دست دراز کنایه از شخص حریص است. باز هم، «دست دراز» و «دست بلند» (Long of hand) توسط کلارک در انگلیسی کنایه ندارند.

نقد کلی

به نظر می‌رسد در این ترجمه از روش بیگانه‌سازی استفاده شده است. با این روش، در هر دو ترجمه معنای مصرع اول بیت بیان شده است، اما مصرع دوم برای خوانندگان انگلیسی‌زبان معنای روشنی ندارد. برای ترجمه مناسب، نگارش پاورقی‌هایی برای این بیت پیشنهاد می‌شود.

Hafez	Clarke	Shahriari
هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را	In the time of straitedness, strive in pleasure and in intoxication: For, this elixir of existence maketh the beggar Karun.	When destitute and in need, let your love and passion breed Life's alchemy, essence and seed, unimagined wealth shall create.

تفسیر فارسی

وقتی تنگدست و بینوایی، سعی کن که حال خوش را حفظ کنی و مست شوی زیرا این کیمیای هستی گدا را، قارون می‌کند. (کنایه از اینکه به وقت فقر انسان تعالی روح پیدا می‌کند و از مادیات استغنا می‌یابد)

انتخاب کلمات

شاعر در این بیت از نام خاص «قارون» یکی از ثروتمندترین پادشاهان زمان حضرت موسی (ع) استفاده کرده است. کلارک از نویسه‌گردانی استفاده کرد و «قارون» (Karun) را آورده است. انتخاب شهریاری در عوض «ثروت غیر متصور» (Unimagined wealth) است که کنایه است. «اکسیر» (Elixir) و «کیمیا» (Alchemy) گاهی در فارسی به جای هم به کار می‌روند. از اکسیر در عمل کیمیایگری استفاده می‌شود؛ بنابراین، هر دو انتخاب این مترجمان مناسب است.

نقد کلی

هر دو مترجم معنا را تا حدی منتقل کرده‌اند. کلارک از آوانگاری استفاده کرده است، درحالی‌که شهریاری به‌طور غیرمستقیم به مقصود شاعر اشاره کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت که روش شهریاری بومی‌سازی است درحالی‌که روش کلارک بیگانه‌سازی است.

۳- بیت سوم

Hafez	Clarke	Shahriari
ده‌روزه مهر گردون افسانه است	For the space of ten days,	Passage of time and the

و افسون / نیکی به‌جای یاران فرصت شمار یارا	the sphere's favor is magic and sorcery: O friend! regard as booty, goodness in friends.	stars, are but what we fantasize For compassion and kindness, it is never too late.
--	---	--

تفسیر فارسی

چند روز زندگی ما مانند داستان و قصه است یا به سحر و جادو می‌ماند. پس ای دوستان در این عمر اندک نیکی کردن در حق دوستان را غنیمت بدانید.

انتخاب کلمات

کلمات «افسانه و افسون» توسط کلارک به‌عنوان «جادو» (magic) ترجمه شده است که معادل «افسون» است. پس افسانه که در فارسی به معنی حکایت است ترجمه نمی‌شود. Fantasize نیز در زبان شهریاری به معنای «تصور» است که تفسیر این دوکلمه است و نه ترجمه آنها.

نقد کلی

خوانندگان انگلیسی در کی از «مهلت ده روز» (The space of ten days) که در اینجا به زندگی کوتاه دنیا اشاره دارد، ندارند؛ بنابراین می‌توان گفت که روش بیگانه‌سازی در اینجا توسط کلارک برای خواننده معنای روشنی ندارد. از سوی دیگر «گذر زمان و ستارگان» (Passage of time and the stars) اشاره بهتری به زندگی در این دنیا دارد، هر چند به معنای زندگی کوتاه نیست که کلمه «ده» در متن منبع به آن اشاره کرده است. بنابراین انتخاب شهریاری مناسب‌تر است ولی هیچ‌کدام از روش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در این دو ترجمه معنای متن مبدأ را منتقل نکرده‌اند.

۴- بیت چهارم

Hafez	Clarke	Shahriari
-------	--------	-----------

<p>شب قدری چنین عزیز و شریف / با تو تا روز خفتنم هوس است</p>	<p>A night of power like this, precious and holy, To sleep with thee till day, is my desire.</p>	<p>On this holy night stay with me Till the morning, do not depart.</p>
--	--	---

تفسیر فارسی

چنین شب قدری (شبی نامشخص که در آن شب تصمیمات، مقدرات و سرنوشت برای انسان‌ها رقم می‌خورد) که در آن بنای درد دل با تو را دارم (از آن جهت که عزیز و شریف است) دوست دارم تا روز مرگم ادامه داشته باشد.

انتخاب کلمات

«شب قدر» را کلارک به «شب قدرت» ترجمه کرده است که یکی از معانی «قدر» در زبان عربی است. ترجمه شهریاری که «شب مقدس» (Holy night) است نیز معنای اصلی را بیان نکرده است. هیچ‌یک از ترجمه‌ها به «شب خاص در ماه رمضان» به‌عنوان نام خاص اشاره نمی‌کنند و در عبارت بعدی یعنی «روز خفتن» که کنایه از مرگ است، هیچ‌کس ترجمه واقعی را منتقل نکرده است.

نقد کلی

این دو مترجم درک درستی از معنای بیت نداشته‌اند. گمان می‌کنند منظور شاعر از قسمت دوم بیت: «می‌خواهم تا صبح با تو بخوابم» است. در حالی که در شب قدر مردم تا صبح نمی‌خوابند و شب تا صبح خدا را عبادت می‌کنند. پس قطعاً شاعر که فردی عارف، متدین، حکیم و فرزانه بوده است چنین آرزویی ندارد. در مورد روش‌ها، شهریاری از بومی‌سازی و کلارک از بیگانه‌سازی استفاده کرده است و هر دو در انتقال مفهوم این بیت ناموفق بوده‌اند.

۵- بیت پنجم

Hafez	Clarke	Shahriari
-------	--------	-----------

<p>آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق / خرمن مه به جوی خوشه پروین به دو جو</p>	<p>Tell the sky For, in love," (They sell) the moon's harvest for a barley-corn; and the cluster "of the Pleiades for two barley- corns.</p>	<p>Don't sell the harvest that you reap In the market of love, for so cheap; For the moon, a nickel you keep, And for the stars a dime at best.</p>
---	--	---

تفسیر فارسی

به آسمان بگوئید که این همه فخر و افاده و ناز به شکوه و بزرگی خود نکند، زیرا که در فرهنگ عشق، این گونه شکوه و جلال و عظمت، هیچ ارزشی ندارد. در این فرهنگ، عشق و محبت والاترین و شکوهمندترین پدیده‌هاست و در دنیای عشق، زیبایی‌هایی وجود دارد که زیبایی‌های ماه و ستارگانش را در سایه فرومی‌برد و آنها را از نظرها می‌اندازد.

انتخاب کلمات

کلارک در این بیت «یک ذرت جو» (A barley corn) و «دو ذرت جو» (Two barley corns) را با استفاده از بیگانه‌سازی برای «جوی» و «دو جو» ترجمه کرده است، درحالی‌که شهریاری با استفاده از استراتژی بومی‌سازی گفته است: یک نیکل (Nickel) و یک دایم (Dime). نیکل یک سکه در ایالات متحده یا کانادا است که ارزش آن پنج سنت است. می‌توان گفت که ۲۰ نیکل یک دلار را تشکیل می‌دهد. دایم یک سکه ایالات متحده و کانادا است که یک دهم دلار ارزش دارد، بنابراین، ۱۰ دایم به اندازه یک دلار است. نکته اینجاست که جو در ادبیات فارسی بر چیزی بی ارزش دلالت می‌کند، چنان‌که می‌گوییم: یک جو ارزش قائل نیستم، یا یک جو نمی‌ارزد. اما در انگلیسی «جو» همان مفهوم را نمی‌رساند. پس می‌توان گفت که ترجمه شهریاری برای این قسمت از بیت مناسبتر است. علاوه بر این، کلارک «خوشه پروین» را به (Pleiades) که دقیقاً مترادف آن است، ترجمه می‌کند، درحالی‌که شهریاری آن را «ستارگان» که کلی‌تر است، ترجمه می‌کند.

نقد کلی

روش کلارک بیگانه‌سازی است درحالی‌که شهریاری از بومی‌سازی استفاده کرده است. در مورد این بیت که معنای ادبی دارد، هیچ یک از مترجمان نتوانسته‌اند مفهوم را به‌طور کامل به ترجمه‌ها منتقل کنند. معنی بیت از نظر نویسندگان این پژوهش این است که: به آسمان بگو این قدر مغرور نباش. چراکه در بازار عشق، برای ماه، پول‌خردی را نگه می‌دارند، و برای ستاره‌ها در بهترین حالت یک سکه در نظر می‌گیرند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، هر دو مترجم از روش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه‌های خود استفاده کرده‌اند. اما میزان استفاده آنها متفاوت است. شهریاری در بسیاری از موارد از روش بومی‌سازی استفاده کرده است و تنها در موارد اندکی از بیگانه‌سازی استفاده کرده است. کلارک از بیگانه‌سازی بسیار استفاده کرده و در موارد بسیاری می‌توان ردپای این روش را در ترجمه‌های او یافت. بومی‌سازی به میزان کمی به کار گرفته شده است؛ بنابراین، پاسخ به اولین پرسش تحقیق این است که هر دو مترجم هر دو راهبرد را در ترجمه‌های خود به کار برده‌اند.

همچنین، ترجمه شهریاری که بیشتر از بومی‌سازی استفاده کرده، در بیشتر موارد مناسب‌تر و قابل‌فهم‌تر بوده است؛ اما ترجمه کلارک که تنها در موارد اندکی از بومی‌سازی استفاده نموده، کمتر مناسب به نظر می‌رسد (بر اساس نظریه نایدا)؛ بنابراین در پاسخ به پرسش دوم این پژوهش می‌توان گفت که تا جایی که به خوانندگان زبان مقصد مربوط می‌شود، بومی‌سازی منجر به درک بهتر متن می‌شود. در همین راستا، زارع بهتاش و فیروزکوهی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که «بومی‌سازی فراگیرترین راهبرد ترجمه فرهنگی از دهه ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ بوده است». نایدا از جمله نظریه‌پردازانی است که این یافته را تایید کرده است. «مترجم باید فردی باشد که بتواند پرده‌های تفاوت‌های زبانی و فرهنگی را کنار بزند تا مردم به‌وضوح ارتباط پیام اصلی را ببینند» که آشکارا شامل بومی‌سازی می‌شود (نایدا و دوارد، ۱۹۸۶: ۱۴، به نقل از

عبدالرئوف^۸ (۲۰۱۹) چنین بیان می‌کند:

اختلاف بر سر این دو استراتژی را نمی‌توان با در نظر گرفتن اینکه کدام صحیح یا نادرست و کدام بهتر یا بدتر است، حل و فصل کرد. در عوض، باید آنها را به‌عنوان زنجیره‌ای در نظر گرفت که ابزارهای اکتشافی را برای مترجمان ارائه می‌دهد تا با جنبه‌های مختلف فرهنگی در فرایند ترجمه کنار بیایند؛ بنابراین، مترجمان با توجه به این حقیقت که ترجمه خوب بایستی هم بومی و هم بیگانه باشد، می‌باید در ترجمه‌های خود از هر دو راهبرد استفاده کنند.

به‌طور کلی، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که هر کدام از دو روش بومی‌سازی و بیگانه‌سازی می‌توانند در جای خود مترجم را در انتقال معنا یاری کنند اما با توجه به ظرافت، دشواری و پیچیدگی اشعار حافظ و احتمالاً عدم تسلط کافی مترجمان به این ظرایف فکری و فرهنگی، به‌کارگیری هیچ‌کدام از این روش‌ها به انتقال کامل معنا و فرم منجر نشده است.

۴. نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب فوق، نتیجه می‌گیریم که اگرچه هر دو روش بومی‌سازی و بیگانه‌سازی برای یک ترجمه مناسب قابل استفاده هستند، اما در ترجمه‌های ایبات بررسی شده در این مطالعه، هیچ‌کدام از این دو روش در انتقال کمال معنا و ذوق زیبایی‌شناسی در اشعار حافظ کاملاً موفق نبوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، مترجمان در این ترجمه‌ها سعی در رساندن محتوا و معنا داشته‌اند (که این امر نیز به‌طور کامل حاصل نشده است)، اما شکل و فرم به متن ترجمه شده منتقل نشده است. برای ترجمه مناسب‌تر، از یک سو، طرح قافیه، موسیقی، واژگان، شکل‌ها، رایحه و پیام که به تأثیر عاطفی متن مبدأ کمک کنند می‌بایست منتقل شود و از سوی دیگر، عملگرایی متن، یعنی یکپارچگی (دانش ارائه شده در متن) و معانی ضمنی (معانی غیرمتعارف) باید منتقل شود. در سطح «تأثیر زیبایی‌شناسی»، می‌توان ادعا کرد که ترجمه شهریاری، بیشتر بازنمایی یک اثر ادبی

است و در برخی موارد در نظام ادبی زبان مقصد نیز به‌عنوان یک شعر موجودیت دارد.

برای عدم موفقیت مترجمان در برگرداندن غزلیات حافظ می‌توان دلایلی را مانند چندلایگی معنایی شعر حافظ و وجود مفاهیم عارفانه در شعر او برشمرد. با توجه به دشواری ترجمه شعر حافظ، توصیه می‌شود مترجمین برای انتقال معنا و فرم از پاورقی‌هایی جهت تشریح مفاهیم عرفانی و دینی، تبیین نحوه نگرش و افکار شاعر و توضیح موارد مربوط به فرهنگ ایرانی بهره ببرند.

در مطالعات بعدی می‌توان سایر روش‌های مورد استفاده در ترجمه اشعار عرفانی فارسی را در ترجمه‌های مختلف مورد بررسی قرارداد. همچنین میزان استفاده از روش‌های بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه سایر اشعار عرفانی زبان فارسی قابلیت بررسی در پژوهش‌های آینده را دارد.

منابع

- اسلامی ندوشن، م. (۱۳۸۲). تأمل در حافظ: بررسی هفتاد و هفت غزل در ارتباط با تاریخ و فرهنگ ایران. یزدان.
- برزگر خالقی، م. (۱۳۸۲). شاخ نبات حافظ: شرح غزلها همراه با مقدمه، تلفظ واژگان دشوار (جلد ۲۹). زوار.
- بشیری، ع. و محمدی، ا. (۱۳۹۷). میزان کارآمدی رهیافتهای لفور در ترجمه شعر بین زبان عربی و فارسی. جستارهای زبانی، ۴(۹)، ۱۳۷-۱۵۶.
- بلوری، ک. (۱۳۹۱). رویکردی انتقادی به ترجمه انگلیسی هانری کلارک از اشعار حافظ: مورد پژوهی. مطالعات ترجمه، ۳۷، ۸۹-۹۸.
- پوریاورچوبر، م. و. (۱۴۰۲). دو پهلوگویی و تداعی اندیشه‌های اجتماعی در غزل‌های حافظ. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا کرج)، ۵۸، ۳۲۹-۳۵۷.
- doi:<https://doi.org/10.30495/dk.2022.1956299.247>
- حسینی معصوم، م. ه. (۱۳۹۴). تفاوت‌های نحوی، چالشی در ترجمه ادبی (مورد پژوهی: ترجمه ضمیر سوم شخص مفرد در غزل‌های حافظ). فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۲، ۹۳-۱۱۱.

رسولی، ح. و عباسعلینژاد، م. (۱۳۹۴). تلقی ابراهیم امین الشواربی و محمد الفراتی من الغزل الثامن الحافظ الشیرازی در اسسه مقارنه. کاوش نامه ادبیات تطبیقی، ۱۴، ۹۹-۱۱۴.

زارع بهتاش، ا. و فیروزکوهی، س. (۱۳۸۸). مطالعه در زمانی استراتژیهای غرابت زدایی و آشنازدایی مقولات فرهنگی مترجمان در ترجمه شش اثر ارنست همینگوی. دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.

سرپرست، ف. و. (۱۳۹۷). نقد و بررسی ترجمه شعر عرفانی با رویکرد نظریه لفور (بررسی موردی ترجمه محمد الفراتی از غزلیات حافظ). پژوهشهای ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۸، ۳۹-۶۶.

سلیمانی، ح. (۱۳۹۴). بررسی ترجمه کلارک از دیوان حافظ از نظر انتقال مفاهیم عرفانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

عبدالرئوف، چ. (۲۰۱۹). ارزیابی انتقادی از نظریه بومی‌سازی و بیگانه‌سازی ترجمه ونوتی. مجله ترجمه و زبان، ۱۸(۱)، ۷۲-۸۲.

لفور، ا. (۱۹۷۷). ترجمه شعر: آسن. ون گورکوم.

ونفن، ی. (۲۰۱۰). بررسی مختصر بومی‌سازی و بیگانه‌سازی در ترجمه. مجله آموزش و پژوهش زبان، ۱۱(۱)، ۶۷-۸۰.

ونوتی، ل. (۱۹۹۱). تبارشناسی نظریه ترجمه: شلایرماخر. تی تی آر، ۴(۲)، ۱۲۵-۱۵۰.
doi:<https://doi.org/10.7202/037096ar>

ونوتی، ل. (۱۹۹۵). ناپیدایی مترجم: تاریخچه ترجمه. روتلج.

ونوتی، ل. (۱۹۹۸). رسوایی‌های ترجمه: به سوی اخلاقیات تفاوت. نیوفتر.

Abderraouf, C. (2019). A critical evaluation of Venuti's domestication and foreignization theory of translation. *Revue de Traduction et Langues*, 18(1), 72-82.

Lefevere, A. (1977). *Translating poetry*. Van Gorcum.

Venuti. (1995). *The translator's invisibility: A history of translation*. Routledge.

Venuti, L. (1991). Genealogies of translation theory: Schleiermacher. 4(2), 1215 doi:
<https://doi.org/10.7202/037096ar>

Venuti, L. (1998). *The scandals of translation: Towards an ethics of difference*. New Fetter Lane.

Wenfen, Y. (2010). Brief study on domestication and foreignization in translation,. *Journal of Language Teaching and Research*, 1(1), 67-80.